

عدالت جنسیتی و اشتغال زنان

مسعود آذربایجانی*

چکیده

عدالت جنسیتی به معنای رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است به گونه‌ای که در حق هیچ کدام ستم یا اجحافی نشود. اشتغال نیز عمدتاً به کارهای تمام وقت، دارای مزد و بیرون از خانه اطلاق می‌شود. در این مقاله با نگاهی علمی به موضوع اشتغال از دیدگاه اسلام پرداخته شده و دیدگاه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسان و فمینیست‌ها نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته و معلوم می‌شود: اشتغال زنان حقی است که تحت ضوابط کلی اشتغال می‌باشد. این ضوابط عبارتند از: تناسب شغل با ویژگی‌های زنانه، رعایت حجاب، عفاف و عدم اختلاط، عدم تعارض شغل زن با حقوق شوهر و وظیفه مادری؛ بر این اساس شاخص عدالت جنسیتی در اشتغال زنان از دیدگاه اسلام همان رعایت معیارها و موازین اسلامی می‌باشد. در این نوشتار الگوی اشتغال نیمه وقت زنان که تناسب با عدالت جنسیتی دارد، برای زنان پیشنهاد شده است.

کلید واژه

عدالت، جنسیت، اشتغال زنان، اسلام، خانواده.

- تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۱۴؛ تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۸۸/۱۲/۸
* - استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

طرح مسأله

عدالت جنسیتی صرفاً مفهومی اخلاقی نیست، بلکه از این جهت مفهومی ناآشنا تر و مبهم تر از عدالت است، به ویژه آنکه عدالت جنسیتی از مباحث تازه در دوران معاصر است و سابقه چندانی ندارد؛ به خصوص که این مفهوم با اشتغال زنان درمی آمیزد که آن هم عمدتاً از مباحث مورد توجه در دوران پس از انقلاب صنعتی است که کارخانه پدید آمد و زنان از خانه به کارگاه های کوچک و بزرگ کوچ کردند. در این حال سنت های ریشه دار اجتماعی و دینی، زنان را به سوی حفظ ارکان خانواده دعوت می کند، اما هنجارهای دنیای متجدد آنان را به مشارکت اجتماعی و حضور هرچه بیشتر در جامعه و همکاری فعال در مراکز اشتغال فرا می خواند. جمع این دو سهل و میسر نیست؛ به ویژه آنکه یکی، جای را بر دیگری تنگ می کند و حضور دیگری را بر نمی تابد. هر چند اشتغال مردان پدیده ای لازم و طبیعی شمرده می شود، اشتغال زنان با مشکلات و چالش های بسیار مواجه گردیده، از این رو در جوامع گوناگون و در زمینه های مختلف جلوه های متفاوتی یافته است. بسیاری بر این عقیده هستند که اشتغال زنان با اخلاق جامعه تنافی دارد، برخی دیگر بر این باورند که خروج زنان از خانه موجبات رقابت آنان را با مردان فراهم می سازد و مخصوصاً آنجا که اشتغال تام وجود ندارد؛ اشتغال زنان موجب بیکاری مردان می شود. بعضی نیز بر این اندیشه اند که اشتغال زنان موجب می شود که آنان به وظایف همسری کمتر توجه نمایند و ازدیاد طلاق از آن منشأ می گیرد یا آنکه به وظایف مادری توجه کمتری می نمایند و نسل آینده از آن آسیب می بیند (ر.ک. ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۸۵۹).

در اینجا پرسش هایی مطرح می شود. عدالت جنسیتی چه مفهومی دارد؟ آیا مصادیق عدالت جنسیتی در حوزه های گوناگون اجتماعی یکسان است؟ عدالت جنسیتی در خصوص اشتغال زنان چگونه تبیین می گردد؟ آیا اشتغال زنان در بیرون از خانه بر اساس عدالت جنسیتی به طور کلی مجاز و موجه است؟ آیا در فرهنگ اسلامی نقش همسری و مادری با اشتغال زنان منافات دارد؟ با وجود تسهیلات فراوان در امور خانه داری و مراکز مهد کودک و پرورش کودکان اشتغال زنان چه تعارضی با نقش

مادری دارد؟ آیا عدالت جنسیتی در اشتغال زنان به معنای تساوی زنان و مردان در استفاده از زمینه‌ها، فرصت‌ها و امکانات برای اشتغال است؟ در این نوشتار پس از نگاه به ادبیات علمی بحث، موضوع عمدتاً از دیدگاه اسلام دنبال خواهد شد.

(۱) مفهوم شناسی

(۱-۱) عدالت

عدل به معنای دادگری، انصاف، نهادن هر چیزی به جای خود، حد متوسط میان افراط و تفریط مقابل ظلم و جور است (معین، ۱۳۷۱: ج ۶، ص ۲۲۸۲). در اندیشه افلاطون در یونان باستان، عدالت به معنای تناسب با طبیعت و فضایل دیگر و حد وسط نقطه تعادل سه قوه خرد، غضب و شهوت در انسان می‌باشد. در سطح اجتماعی نیز از دیدگاه وی عدالت به مفهوم تناسب و قرار گرفتن افراد جامعه در طبقات خاص خود است. یعنی در طبقات فرمانروایان، نگهبانان و توسط مردم. از نظر ارسطو عدالت به معنای معامله برابر با افراد برابر و معامله نابرابر با افراد نابرابر است به تعبیر دیگر توزیع امکانات و مناصب بر اساس شایستگی و لیاقت‌ها است (بیات و دیگران، ۱۳۸۱: صص ۳۷۶-۳۷۵). اما در اندیشه امام علی (ع) عدل به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای خویش است: «العدل یضع الامور مواضعها» (نهج البلاغه، ح ۴۳۷). به همین جهت حضرت عدالت را یک تدبیر عمومی می‌دانند که همه مردم را در بر می‌گیرد که از جود و بخشش نیز برتر و شریفتر است. در میان اندیشمندان مسلمان نیز همین معنا تقریباً مورد قبول است. علامه طباطبایی می‌نویسد: «هی اعطاء کل ذی حق من القوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۲: ص ۳۳۱). بنابراین بر خلاف دیدگاه‌هایی که در دوران مدرنیته عدالت اجتماعی به مثابه برابری و مساوات تلقی شده مانند: «کارل مارکس»، در اندیشه اسلامی این معنا دیده نمی‌شود و با ریشه لغوی عدل نیز سازگار نمی‌باشد.

۱-۲) جنسیت

واژه «جنسیت»^۱ در ادبیات مطالعات زنان برای اشاره به ویژگی‌هایی به کار می‌رود که در نتیجه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در هر یک از دو جنس مرد و زن به طور متفاوت بروز می‌کند و در مقابل از واژه «جنس»^۲ ویژگی‌های زیست‌شناختی متفاوت مرد و زن است (بستان، ۱۳۸۸: ص ۳). در روان‌شناسی نیز «نقش جنسی»^۳ مجموعه‌ای از رفتارها و گرایش‌های فرد است که با «جنسیت»^۴ وی هماهنگ باشد. به عبارت دیگر نقش جنسی به رفتارهای ویژه پسر و دختر بر می‌گردد و مواردی نظیر عادات و رسوم، الگوی لباس، انتخاب اسباب بازی و نوع بازی را در بر دارد. برخی تعریف گسترده‌تری از نقش جنسی کرده‌اند: «آنچه در متن یک فرهنگ به عنوان خصایص مردانه یا زنانه با جنسیت شخص مطابقت دارد نقش جنسی نامیده می‌شود» (هارلوک،^۵ ۱۹۷۸: ص ۴۵۰). بنابراین در یک جمع بندی می‌توان مفهوم عدالت جنسیتی را چنین تعریف نمود: عدالت جنسیتی یعنی رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای که هر یک از دو جنس متناسب با خصایص زنانه یا مردانه از همه امکانات برخوردار باشد و هیچ گونه ستم یا اجحافی در حق آنان وارد نشود.

۱-۳) اشتغال

واژه «اشتغال» در زبان فارسی به معنای «به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن، به کاری سرگرم شدن»، (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۲۲۲۶). «پرداختن به کاری، سرگرم شدن، سرگرمی و گرفتاری است» (معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۸۰). در اصطلاح^۶ عبارت است از: «کار می‌تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای

1- gender.

2- Sex

3- sex - role

4- sexuality

5- Hurlock , E.B.

^۶ - معادل Occupation.

انسانی را برآورده می‌سازد. شغل یا پیشه کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می‌شود. کار در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ص ۵۱۷).

«کار^۱ یکی از عوامل عمده تولید و متشکل است از اعمال قوه فکری یا دستی که در برابر آن مزد، حقوق، معاش یا حق‌الزحمه کسب و کار گرفته می‌شود. در گفتگوی روزانه این اصطلاح بیشتر به معنای محدودتر یعنی کارهای دستی یا به طور کلی کارهای کارگران دستی به کار می‌رود. در نظریه اقتصادی، کوشش انسانی یا فعالیتی است که در جهت تولید هدایت می‌شود. به عنوان یک عامل تولید کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت جدا می‌شود و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به معنای دیگر کار، کلیه افرادی را در بر می‌گیرد که برای زیستن کار می‌کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت بر می‌گردد که شامل «جمعیت قابل اشتغال و بالای یک سن معین است» (فرهنگ، ۱۳۶۶: ص ۶۵۲). «کار یکی از عوامل تولید که در بر گیرنده تمامی فعالیت‌های اقتصادی انسان اعم از فکری، یدی، تخصصی و غیرتخصصی برای تولید ثروت می‌شود» (مریدی، نوروبی، ۱۳۷۳: ص ۵۷۴). اشتغال به کار معمولاً وضعیتی است که توسط مراجع و مراکز آماری و اقتصادی هر کشور با ذکر ویژگی‌های معین تعریف می‌شود. مثلاً مرکز آمار ایران شاغل را چنین تعریف کرده: «کلیه جمعیت ده ساله و بیشتر که در هفت روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری به کاری اشتغال داشته‌اند ... و در این مدت [به‌طور متوسط] روزی هشت ساعت یا بیشتر کار کرده‌اند؛ شاغل محسوب می‌شوند» (همان، ص ۵۲). بنابراین در اصطلاح متعارف اشتغال به کارهای تمام وقت، دارای مزد و عمدتاً بیرون از خانه اطلاق می‌شود.

مقصود از «زنان»^۲ به‌طور مشخص جنس مؤنث در مقابل جنس مذکر است و شامل سه گروه خاص می‌شود: زنان متأهل؛ زنان سرپرست خانواده و زنان مجرد. در این مقاله اشتغال زنان شامل هر سه گروه می‌شود.

1- Labor.

۲- معادل Female + women.

۲) اشتغال زنان در جهان معاصر

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و تبدیل کارهای خانگی به کارخانه‌ها و تبدیل نیروی انسان به نیروی ماشین، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زنان در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد. از آن زمان به بعد زنان با تحصیل علم در سطوح بالاتر، علاوه بر فعالیت‌های تولیدی و کارخانه‌ها، در سایر زمینه‌ها و در پست‌های گوناگون مشغول به کار شدند.

در ایران نیز در دروه‌های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در کل جامعه (شهری، روستایی و ایلی)، زنان صرفاً در زمینه خانواده نقش اول را داشت و فعالیت‌های آنان عمدتاً محدود به کارهای خانه می‌شد و حتی نقش آنان در خارج از خانه در واقع ادامه نقش وی در داخل خانه بود (جاراللهی، ۱۳۷۲: ش ۳-۴، صص ۲۵۸-۲۵۷). از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم به دلیل ارتباط وسیع‌تر ایران با تمدن صنعتی غرب، به تدریج تغییراتی در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه و در نتیجه دگرگونی در زندگی و موقعیت زنان پایتخت و شهرهای بزرگ گردید. ولی در موقعیت اجتماعی زنان روستایی و زنان ایل‌نشین به دلیل دور ماندن از ارزش‌های غربی تغییرات عمده‌ای به وجود نیامد. از جمله فعالیت‌هایی که زنان به آن اشتغال داشتند: کارگری در کارخانه‌های نساجی، قالی‌بافی و شیلات بود. مشاغل سیاسی بسیار محدود و منحصر به زنان وابسته به طبقه حاکم بود. به جز این موارد، زنان معمولاً مسئول فعالیت‌های داخل خانه (اعم از بچه‌درای، نظافت و آشپزی و ...) بودند (همان، صص ۲۶۳ - ۲۶۰). در قرن چهاردهم با توجه به امکان تحصیلات عمومی، اشتغال زنان در خارج از خانه رشد بیشتری پیدا کرد، در عین حال آخرین سرشماری در سال ۱۳۵۵، نشان می‌دهد: «۱۳/۷ درصد زنان، در مقابل ۸۶/۳ درصد مردان در کل کشور مشغول به کار بودند» (همان، صص ۲۶۶). بنابراین در اکثریت جامعه همان الگوی تقسیم کار وجود دارد و اشتغال زنان محدود بوده است.

البته براساس آخرین آمارهای بین‌المللی، نیروی کار در کشورهای توسعه یافته حدود نیمی از جمعیت کل است که از این میزان حدود چهل درصد آن را زنان بالاتر از ۱۵

سال تشکیل می‌دهند. این آمار در کشورهای در حال توسعه متفاوت است، در این کشورها در حدود ۵۰-۴۰ درصد از کل جمعیت را نیروی کار تشکیل می‌دهند و از این میزان حدود ۴۰-۲۰ درصد آن به زنان اختصاص دارد (سفیری، ۱۳۸۰: ش ۳-۴، صص ۷۳۳-۷۳۴). بنابراین مشارکت اقتصادی زنان در جهان معاصر به ویژه در کشورهای پیشرفته رو به افزایش می‌باشد.

البته نوع کارها و میزان حضور زنان در انواع مشاغل نسبت به مردان متفاوت است. زنان حتی در کشورهای توسعه یافته به ترتیب در سطح مشاغل دفتری، کار خانگی بدون دستمزد، فروشنده‌گی و کار خدماتی، کار فنی و حرفه‌ای، اشتغال در سطوح پارلمانی و اجرایی بالا و سطوح پایین اجرایی فعالیت دارند. در کشورهای در حال توسعه نیز زنان به ترتیب در کار خانگی بدون دستمزد، فروشنده‌گی، خدماتی، دفتری، فنی و حرفه‌ای، مدیران و مباشران و سطوح اجرایی بالا فعالیت دارند. با رقم بالای کار خانگی بدون مزد و درصد پایین مشاغل سطوح بالا، تفاوت میان زنان و مردان مشهود است. بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که چه در کشورهای صنعتی و چه در کشورهای در حال توسعه، حضور زنان در برخی انواع مشاغل محدود و فعالیت آنان در مشاغل سطوح بالا و تصمیم‌گیری‌ها بسیار اندک بوده، در حالی که بیشتر در مشاغل سطح پایین و خدماتی و دفتری فعالیت دارند (همان، صص ۷۴۸-۷۴۹).

۳ دیدگاه‌ها و نظریه‌ها

جامعه‌شناسان بر تقسیم کار و تنوع مشاغل (در اقتصاد انگلستان حدود ۲۰/۰۰۰ شغل مجزا فهرست شده است) به عنوان وجه تمایز جامعه صنعتی امروز و جوامع سنتی از جهت کار انگشت می‌گذارند (گیدنز، ۱۳۸۷: ص ۵۱۸). «آدام اسمیت»^۱ و «فردریک تایلور»^۲ بر تقسیم کار و سازماندهی تولید صنعتی تأکید کرده‌اند که تأثیر فراگیری بر

1- Smith, A.

2- Talor, F.W.

شکل کنونی مشاغل داشته است. بنابر نظر «مارکس»^۱ تقسیم کار، انسان‌ها را از کارشان بیگانه می‌کند و به وظایف خسته‌کننده و ملال‌آوری تقلیل خواهد داد (همان، ص ۵۵۲).

«آنتونی گیدنز» معتقد است: هر چند کار خانگی از نظر ارزش تقریباً معادل یک‌سوم کل تولید سالانه در اقتصاد امروزی است، کار بی‌مزد زنان در حوزه خانگی تا اندازه زیادی نادیده گرفته می‌شود. قبل از شهرنشینی اکثر زنان وظایف گوناگونی را افزون بر مراقبت کودکان و کارهای خانه انجام می‌دادند، وظایف زنان اغلب هماهنگی نزدیکی با وظایف مردان داشت و خانه واحد تولیدی یگانه‌ای را تشکیل می‌داد. با پیدایش و توسعه محل‌های کار جدا از خانه، تولید نیز از مصرف جدا گردید و بانوی خانه یک مصرف‌کننده شد. یعنی کسی که کار نمی‌کند و فعالیت تولیدی او (کار خانگی) از نظر پنهان شد. بین دو جنگ جهانی تعداد زنان خانه‌دار به اوج رسید؛ اگرچه برای زنان غیرمتاهل معمول بود که شاغل مزد بگیر باشند. اکثریت زنان متأهل در آن زمان کار نمی‌کردند. در هر دو جنگ جهانی زنان تشویق به اشتغال شدند تا جای مردانی که به نیروهای مسلح پیوسته بودند را بگیرند. پس از جنگ جهانی اول آنها اخراج شدند، اما بعد از پایان جنگ دوم اخراج به‌طور کامل انجام نشد و رشد اشتغال زنان از آن پس با گسترش مشاغل خدماتی ارتباط نزدیک پیدا کرد. مشاغل زنان در بازارهای کار درجه دوم (مشاغل بی‌ثبات با دستمزد اندک، شرایط کار نامناسب و فرصت کم برای ترفیع و پیشرفت شغلی مانند: پیشخدمتی، خرده‌فروشی، نظافت و ...) تمرکز یافته است. زنان همچنین بسیار بیشتر از مردان در کارهای مزدبگیری نیمه وقت تمرکز کرده‌اند» (۹۰ درصد کارگران زن در انگلستان کار می‌کنند) (همان، ص ۵۴۶).

هر چند توجه «دورکیم» به اخلاق کار، نقد مارکس بر تقسیم کار در جامعه صنعتی و تأکید «وبر» بر فهم تفسیری از رفتار عاملان در جامعه‌شناسی اشتغال حائز اهمیت است، باید اذعان کرد، هیچ‌کدام از این سه نفر در موارد مهمی چون مناسبات بین گروه‌های جنسی و نژادی، اهمیت روابط بین محدوده فعالیت در محل کار، خانه و ... بحث نکرده‌اند (سفیری، ۱۳۸۰: ش ۳-۴، ص ۱۶).

1- Marx, X.

آیا با وجود گسترش مشاغل و تقسیم کار در جامعه صنعتی جایگاه زنان را می‌توان به گونه‌ای دیگر تبیین نمود؟ شاید تأکید بر نقش‌های جنسیتی راه‌حل دیگر باشد: «پارسونز» خانواده را پاره‌ای از نظام کل جامعه می‌داند که بر مبنای تفکیک نقش‌های جنسی بنا شده است. تخصص و تفکیک نقش‌ها به حفظ نظام خانوادگی و وحدت آن کمک می‌کند و مبنای اجتماعی کردن کودک است. مرد رئیس خانواده و نقش نان‌آور را بر عهده دارد و زن نقش بانوی خانه را ایفا می‌کند. نقش اقتصادی مرد و شغل وی تعیین‌کننده‌ترین پایگاه حقوق خانواده و نقش اصلی مرد در جامعه است و خانه‌داری اساسی‌ترین فعالیت و نقش زن است، زن مدار زندگی خانوادگی است. از دیدگاه وی تفکیک جنسیتی نقش‌ها در شکل گرفتن شخصیت کودک نقش قاطعی دارد. پسر خود را با پدر همانند می‌کند و دختر به مادر تأسی می‌جوید. اشتغال زن علاوه بر آنکه موقعیت عاطفی زن در خانواده را متزلزل می‌سازد به سبب رقابت شغلی زن با شوهر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌انجامد (ر.ک. جورج ریتزر، ۱۳۷۷: ص ۴۶۶). البته این نکته اخیر در مشاغل نیمه‌وقت و پاره‌وقت زنان کمتر به چشم می‌خورد.

تمام فمینیست‌ها اعم از لیبرال موج اول تا فمینیست‌های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال در موج دوم بر این نکته اتفاق نظر دارند که تبعیض جنسیتی در مورد زنان محکوم است و ریشه‌های آن را در پندارهای مردسالارانه جوامع سنتی می‌دانند (قیطانچی، ۱۳۸۱: (به نقل از احمدی خراسانی)، ص ۱۸۶). افزون بر این فمینیست‌های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال از سنت لیبرال موج اول فمینیسم که در آثار «بتی فریدان» ادامه یافت احساس رضایت نمی‌کردند. فمینیست‌های لیبرال برای مدت مدیدی بر فردیت زنان به عنوان تنها معضل اجتماعی لاینحل تأکید می‌کردند و از نابرابری نقش زنان در خانواده و تولید مثل و باز تولید بین‌نسلی غافل مانده بودند (همان، صص ۱۹۰-۱۸۹). جامعه‌شناسی فمینیستی نیز جامعه‌شناسی‌ای است که با برتری مردان که نابرابری زنان را نهادینه می‌سازد مخالفت و مقابله می‌کند و مشخصه بارز فمینیسم این نظر است که فرودستی زنان باید مورد تردید و اعتراض قرار گیرد. در مجموع فمینیست‌ها بر نکات ذیل در خصوص اشتغال زنان تأکید می‌کنند:

الف) تقسیم کار جنسیتی ساخته و پرداخته اجتماع است و ربطی به تفاوت‌های طبیعی دو جنس ندارد، یعنی شغل‌ها مَهر مردانه یا زنانه می‌خورند.

ب) نان‌آور بودن مردان و تیمارداری زنان به‌طور اختصاصی هیچ دلیل موجهی ندارد و کاملاً ممکن است زن و مرد را به یک اندازه در تأمین معاش خانواده و انجام کارهای خانه و بچه‌داری مسئول دانست.

ج) خانه‌داری، کارگری رایگان و بدون دستمزد است، در حالی که خانه‌داری نیز کاری واقعی است و باید از همین وجه به آن نگریست. خانه‌داری کاری سخت و طاقت‌فرسا است (به‌طور میانگین ۷۷ ساعت در هفته) و باوری که زن خانه‌دار را «ضعیفه» تلقی می‌کند، از آنجا سرچشمه گرفته که کارهای خانه پنهان از دید عموم و بدون چشم‌داشت مادی و اغلب فقط از روی عشق و علاقه انجام می‌شود. فمینیست‌های رادیکال معتقدند مردان از کار رایگان زن در عرصه خانه سود می‌برند، به همین دلیل به شدت به حفظ تقسیم کار جنسی علاقه‌مندند و با قوانین تساوی و فرصت‌های شغلی به مقابله برمی‌خیزند. فمینیست‌های مارکسیست، خانه‌داری رایگان زنان را به سود نظام سرمایه‌داری می‌دانند و رادیکال‌ها معتقدند بهره اصلی به مردان می‌رسد. پژوهش‌های فمینیستی در مورد کارگران زن در کارخانه‌ها (آناپولرت ۱۹۸۱م) حاکی است که تلقی زنان از کار در درجه اول خانه‌داری است. در حالی که بررسی‌هایی نظیر پژوهش اُکلی (۱۹۷۴م) نشان می‌دهد که اشتغال در زندگی زنان شاغل نقش محوری دارد؛ اما از زنان انتظار می‌رود، خود را با کار مضاعف وفق دهند.

د) توجیه تفاوت دستمزد مردان و زنان بر این اساس است که مردان بیش از زنان به کارهای تخصصی می‌پردازند، ولی فمینیست‌ها مثل «فیلیس» و «تایلور» (۱۹۸۰م)، «کوئل» (۱۹۸۴م) مدعی‌اند که تخصص مقوله‌ای ساخته و پرداخته اجتماع است. ه) تحقیقات فمینیستی (آنجلا کوئل ۱۹۸۴م) با مخالفت با دیدگاه سنتی که شخصیت و منزلت اصلی زن در نقش همسری و مادری است و زنان همیشه می‌توانند به نقش خانگی اولیه خود باز گردند؛ معتقد است، کار و هویت شغلی در زندگی بسیاری از زنان نقش عمده‌ای بازی می‌کند و پولی که در می‌آورند، ضروری است.

و) زنان عمدتاً در مشاغل زنانه (خیاطی، پرستاری، منشی‌گری و صندوق‌داری) و مشاغل بازار ثانویه (متشکل از حرفه‌های غیر تخصصی کم‌درآمد و نامطمئن که امکان آموزش و پیشرفت در آنها نیست) قرار دارند. فمینیست‌های مارکسیست «بروگل» (۱۹۷۹م) علت را ایدئولوژی خانواده و تقسیم کار جنسی در درون خانواده می‌دانند که زنان را به خانه‌داری مکلف می‌کند؛ لذا با نیازهای نظام سرمایه‌داری به نوع مشخصی از نیروی کار یعنی نیمه‌وقت و کم درآمد هم‌خوانی دارد. فمینیست‌های رادیکال معتقدند: مردسالاری، یعنی نظامی که در آن مردان بر زنان سلطه دارند و از آنان بهره‌کشی می‌کنند که بنیادی‌ترین شکل سلطه و انقیاد است - شیوه تولید خانگی زنان را تحت استثمار و سلطه مردان قرار می‌دهد و به سود آنان است که زنان را برای رفع نیازهای خود در خانه نگه دارند. فمینیست‌های سوسیالیست «هارتمن» (۱۹۷۸م) معتقدند: سرمایه‌داری و مردسالاری در همه سطوح جامعه بر یکدیگر اثر می‌گذارند. مثلاً جداسازی شغلی بر حسب جنسیت و ادعای دستمزد خانواده را تنها با توجه به چگونگی پیوند (همسویی) سرمایه‌داری و مردسالاری می‌توان درک کرد، یعنی هر دو از این وضعیت سود می‌برند (ر.ک. ابوت، والاس، ۱۳۸۰: صص ۲۰۶-۱۷۲).

۴) نقد و بررسی نظریه‌ها

۴-۱) توجه فمینیست‌ها به کار خانگی و ارزشگذاری برای آن قابل تقدیر و مورد قبول است، به نظر می‌رسد در صورتی که کار خانگی زنان به صورت معقول در نظام جامعه محاسبه شود، مهندسی اشتغال زنان نیز وضعیتی جدید و مناسب‌تر خواهد یافت. جامعه‌شناسانی چون گیدنز نیز بر اهمیت کار بی‌مزد خانگی در اقتصاد جامعه تأکید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۷: ص ۱۹۶).

۴-۲) بخشی از ایرادها و اشکال‌های فمینیست‌ها به مبانی فلسفی و انسان‌شناختی آنان در مورد زن باز می‌گردد. فمینیست‌ها مفهوم و ماهیت «زن» را صرفاً سازه‌ای فرهنگی می‌دانند که فرهنگ مردسالار آن را از این جهت ساخته که موضوع سلطه خود قرار دهد. در حالی که این فرو کاهشی از نوع فرهنگی است و ارتباط میان وضع زیستی و فیزیولوژیک زن با اوضاع ذهنی، روانی و فرهنگی وی به‌طور کامل گسیخته شده،

یعنی اموری چون بارداری، به دنیا آوردن فرزند و شیر دادن به وی با شرایط ذهنی، روانی و فرهنگی زن بی‌ارتباط نیست. سخن «سیمون دوبوار» مبنی بر اینکه کسی زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود به همین سبب (فروکاهش) قابل قبول نیست (باقری، ۱۳۸۲: صص ۹۷ - ۹۲). اگرچه تفاوت‌های زیستی بیولوژیک (ساختار بدن) و فیزیولوژیک (کارکرد اعضا) بین زن و مرد در موارد ذیل قابل انکار نیست:

- تفاوت در کروموزوم‌ها (XX و XY)، دستگاه تولید مثل، هورمون‌ها، سیستم عصبی و ساختار مغز (از جهت تفاوت وزن مغز، تمایز غده هیپوتالاموس، تفاوت نیمکره‌های مغز از جهت تجسم فضایی و سیالی کلامی) اینها منشأ تفاوت‌های دیگر در توانایی‌ها و کارکردها می‌شود (ر.ک. گاتیون، ۱۳۷۲: ج ۲، صص ۸۱۵ - ۷۸۴؛ دبس، پیرون، ۱۳۶۶: ص ۱۰۷؛ کاپلان، سادوک، ۱۳۶۸: ج ۳، ص ۱۸؛ گنجی، ۱۳۶۹: ص ۱۴۸). تفاوت‌های زیستی دیگر نیز قابل توجه است، مانند: قدرت بدنی، عضلات، حس بینایی (دایره دید زنان وسیع‌تر و دوربینی مردان بهتر)، حس شنوایی (مردان جهت صدا را بهتر تشخیص می‌دهند و زنان صداها را زیر را بهتر تشخیص می‌دهد)، حس لامسه (پوست زن لطیف‌تر و نسبت به درد و فشار حساس‌تر است)، زنان در کارهای دستی چابک‌ترند (خدارحیمی، ۱۳۷۸: صص ۳۳۴-۱۳۴؛ هانت، ۱۳۷۷: صص ۱۱۰-۱۱۱).

تفاوت‌های روانی عدیده‌ای میان زن و مرد در مطالعات روان‌شناختی یافت شده که به سادگی نمی‌توان صرفاً زائیده تربیت و محیط دانست از جمله: تفاوت در هویت جنسیتی (استقلال، رقابت و فردیت در پسران و صمیمیت، روابط عاطفی و مراقبت‌کنندگی و وابستگی در دختران)، از جهت شخصیتی زنان نسبت به مردان کنجکاوتر، حسودتر و اعتماد به نفس کمتری دارند، اما پرخاشگری در مردان بیشتر است. جنس زن هیجانی‌تر از مرد و کیفیت ابراز هیجان وی نیز با مرد متفاوت است. تفاوت در توانایی‌های ذهنی و یادگیری، سرعت و مراحل رشد جسمی - روانی نیز قابل توجه است (گنجی، ۱۳۶۹: صص ۲۱۱-۲۱۰؛ هانت، ۱۳۷۷: صص ۴۰ - ۳۹؛ مصباح و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۴۹۸؛ ج ۲، فصل ۲۴). بنابراین نان‌آور بودن مرد و تیمارداری زن تا حدی با ویژگی‌های طبیعی و زیستی آنان نیز مربوط می‌شود.

۳-۴) تقسیم کار جنسیتی نیز انتخابی طبیعی است که در طول تاریخ پیوسته وجود داشته و هم اکنون نیز آثار آن در مطالعات مردم‌شناسی و جوامع ابتدایی به چشم می‌خورد، مطالعات «مردوک»^۱ فعالیت‌های اقتصادی زنان و مردان را اینگونه ترسیم می‌کند: «در ۷۵ درصد از ۲۲۴ قبیله سراسر دنیا چنین بوده است، مردان به کارهایی مثل گله‌بانی، صید ماهی، بریدن درختان، تله‌گذاری، کار در معادن، شکار، جنگ و ... می‌پرداخته‌اند و اما زنان به اموری مانند آسیاب دانه‌ها، آب‌کشی، آشپزی، جمع‌آوری مواد سوختی و محصولات گیاهی، دوختن، بافتن لباس، تهیه ظروف سفالی و غیر آنها می‌پرداخته‌اند» (برگ، ۱۳۴۶: ج ۱، ص ۳۲۲).

۴-۴) درخصوص تفکیک جنسیتی نیز تقریباً تا قبل از دهه ۱۹۶۰م این نظریه در علوم اجتماعی دیدگاهی پذیرفته شده تلقی می‌گردید و جامعه‌شناسانی چون «دورکیم» و «پارسونز»، «تقسیم کار جنسیتی» را عاملی مهم در همبستگی میان زن و مرد، افزایش حس تعاون و کارآمدی زن و مرد در خانه و اجتماع شمرده و معلول تفاوت‌های تکوینی زن و مرد دانسته‌اند (روزن باوم، ۱۳۶۷: ص ۸۵).

۵) اسلام و اشتغال زنان

۱-۵) حق اشتغال زنان

با توجه به آیات و روایات و سیره جاری مسلمانان معلوم می‌شود، حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است. تأیید حق مالکیت زنان بر اموالشان «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، ۳۲) (برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است). مستلزم جواز اشتغال زنان و حلال بودن درآمد حاصله از آن است (ر.ک. طباطبایی، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۶۴). از آیاتی چون: «و ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه، ۱۰) (از فضل خدا جويا شوید)، «هو أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»، (هود، ۶۱) (او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن

1- Murdock.

آن بر گماشت). معلوم می‌شود این آیات به‌طور عام مردان و زنان را به سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می‌کند. افزون بر این در قرآن کریم از دختران حضرت شعیب (ع) پیامبر الهی، یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند (قصص، ۲۳). بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین، در مشاغل گوناگون همچون تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی، آرایشگری، خدمات خانگی، اجاره املاک، تولید مواد خوشبوکننده، چوپانی، خیاطی و مانند آنها به عنوان شغل درآمدزا مشغول بوده‌اند و مورد نهی یا ردعی قرار نگرفته‌اند (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۹؛ ج ۲۴، ص ۲۶۴؛ حر عاملی، بی تا: ج ۱۲، ص ۱۷۴، صص ۹۵-۹۳)، به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند: «روسپی‌گری و آوازخوانی در مجالس گناه» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۲، صص ۶۵ - ۶۲؛ ۸۵ - ۸۴).

افزون بر این، کار از دیدگاه اسلام شامل همه فعالیت‌های مفیدی است که موجب ارتقای روحی، معنوی، اخلاقی و اقتصادی فرد و جامعه می‌شود. ارزش مادی کار را تا آنجا بالا برده که کار مجاز را (به‌طور متعارف) تنها وسیله مالکیت مشروع دانسته: «لیس للإنسان إلا ما سعی»، (نجم، ۳۹) (برای آدمی جز آنچه انجام داده نخواهد بود). همه قراردادهای مالی و سودها و انتفاع حاصله بر اصل کار پایه‌گذاری شده و هرکس محصول کار خود را می‌برد (نیاکی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۷۰۱). بلکه ارزش معنوی کار تا حد جهاد فی سبیل الله ارتقاء بخشیده شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۸۸). بنابراین بر حسب قواعد اولیه نیز از دیدگاه اسلام کارهای مجاز برای زن و مرد جایز می‌باشد؛ بلکه مورد توصیه و تأکید است. توصیه‌های دالّ بر فضیلت «طلب مال حلال»، (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰۳، ص ۱۸). «کسب و کار به دست خود» (محمدری‌شهری، ۱۳۶۳: ج ۸، صص ۳۸۸ - ۳۸۵). «اهمیت تجارت» (همان، ج ۱، ص ۵۱۸). نیز مباحث: «رزق حلال، صناعت، مشاغل حلال و ... همگی به‌طور عام شامل زنان و مردان می‌شود» «طلب الحلال فریضة علی کلّ مسلم و مسلمة» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۳، ص ۶).

البته این جواز کلی با توجه به عناوین دیگر (مانند اختلاط نامحرم، تبرّج، کوتاهی از وظایف خانوادگی و ...) می‌تواند حرمت یا کراهت داشته باشد؛ همانگونه که اگر

مصدق یاری رساندن زن به شوهر باشد (حر عاملی، بی تا: ج ۱۴، ص ۲۴، ۱۴). (بدون اختلال در وظایف خود) دارای رحجان شرعی است یا حتی وجوب به ویژه در مواردی برای تأمین معاش خود و فرزندان راهی جز اشتغال نباشد.

۲-۵) ضوابط کلی اشتغال

از دیدگاه اسلام اشتغال صرفاً دارای اهداف اقتصادی نیست؛ بلکه به عنوان جزیی از یک نظام کلی اجتماعی است که در ضمن آن باید اهداف معنوی، اخلاقی و دینی فرد و جامعه در جهت تعالی و کمال تأمین گردد، ضوابط و معیارهایی را به طور کلی برای اشتغال بیان نموده و ضوابط ویژه‌ای را هم برای اشتغال زنان وضع نموده که علاوه بر آنها تحکیم و اقتصاد خانواده نیز مدنظر است. اموری مانند: «حلال بودن درآمد حاصل از شغل» (حر عاملی، بی تا: ج ۱۲، باب ۲۳، صص ۴۳-۴۲). «حرمت رباخواری» (بقره، ۲۷۵). «حرمت قمار» (مائده، ۹۰). «حرمت استفاده از اموال دیگران بدون اجازه و رضایت» (نساء، ۲۹؛ بقره، ۱۸۸) و «جایز و حلال بودن شغل» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۲، باب ۱) (مشاغلی مانند: خرید و فروش مردگان، گوشت خوک، شراب‌فروشی و ... حرام است)، ملاک‌های دیگر مانند: «شغل موجب ظلم، فساد، ترویج باطل نشود یا در آن شغل اموری باشد که در شریعت اسلام از جهت خوردن، آشامیدن، به دست آوردن، ازدواج، مالکیت و مانند آن حرام است، همه اینگونه مشاغل از نظر اسلام قابل قبول نیست» (ر.ک. محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۶۳: ج ۸، صص ۳۸۵-۳۷۶).

برخی موارد مانند: «استعانت از دنیا برای طاعات و عبادات و امور آخرت، میانه‌روی در طلب دنیا و تقدیر معیشت و قناعت و ... نیز به عنوان ضوابط و معیارهای استجابی و ترجیحی ذکر شده است» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۲، صص ۵۱-۱).

۱-۲-۵) معیارهای اشتغال زنان

برای اشتغال زنان محورها و معیارهای ذیل را می‌توان از منظر آموزه‌های اسلام بیان نمود:

۱-۲-۵) تناسب شغل با ویژگی‌های زنانگی

با توجه به تفاوت‌های زیستی و روانی زن و مرد و لطافت و ظرافت ویژگی‌های زنانه، اشتغال زنان باید از جهت نوع، کمیت و کیفیت به گونه‌ای باشد که طبیعت زنانه را دستخوش تغییر و تخریب نکند. امام علی (ع) می‌فرماید: «لا تملک المرأة من أمرها ما جاوز نفسها فإن المرأة ريحانة وليست بقهرمانة» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱؛ حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۱۲۰) (زن را در کاری که با وی سازگار نیست (بیش از حد و طاقت آن) بر او تحمیل مکن؛ زیرا زن همچون گل بهاری است نه پهلوان یا فرمانروایی خشن). تعبیر قرآنی معاشرت به معروف: «و عاشروهنَّ بالمعروف فإن كرهتموهنَّ فعسى أن تكرهوا شيئا و يجعل الله فيه خيراً كثيراً» (نساء، ۱۹). این یکی از بهترین تعبیر است (البته اگر اختصاصی به مسایل خانوادگی نداشته باشد) که رعایت تناسب و سازگاری را بیان می‌کند (طباطبایی، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۵۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: صص ۳۶۹-۲۷۰).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌فرماید: «خدای متعال در کتابش بیان کرده که همه مردم از زن و مرد فروع اصل انسانی واحدی و اجزای طبیعت یگانه بشری‌اند که برای تحقق جامعه به همه آنان نیاز است و این امر مخالفی ندارد با اینکه هر یک از این دو گروه را با ویژگی‌هایی اختصاص داده است مانند: اختصاص نوع مردان به شدت و وقوت و اختصاص طلیعت زنان به نرمی و عواطف؛ زیرا طبیعت انسان در حیات تکوینی و اجتماعی‌اش همانگونه که نیازمند بروز شدت و قوت است، به جریان مهرورزی و رحمت نیز محتاج است...» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۵۶). بنابراین مشاغلی که با طبیعت زنانه سازگاری ندارد، قابل قبول نیست.

۲-۲-۵) رعایت حجاب، عفاف و عدم اختلاط

رعایت حجاب و پوشش برای زنان از ضروریات اسلام است (نور، ۳۱؛ احزاب ۵۹، ۵۳). افزون بر مراعات حجاب در هنگام حضور در اجتماع لازم است، مراتب عفاف از جهت نگاه، گفتار و رفتار را نیز رعایت نماید (نور، ۳۱؛ احزاب، ۳۵-۳۰). همچنین از اختلاط و برخورد با مردان نامحرم بپرهیزند: «أما تستحيون و لا

تغارون نساءكم يخرجن إلى الأسواق و يزاحمن العلوج» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۴، ص ۱۷۴)، (آیا حیا نمی کنید، آیا غیرت ندارید که زنان شمایه بازار می روند و با بیگانگان برخورد می کنند!)؛ به ویژه از مکان های خلوت با مرد بیگانه بپرهیزند (همان، صص ۱۷۵، ۱۳۳).

بنابراین مشاغلی که مستلزم نقض حجاب یا عفاف باشد یا به گونه ای آمیزش با مردان یا خلوت با نامحرمان را موجب شود، از دیدگاه اسلام پذیرفته نیست. تعبیر: «قالتا لانسقي حتى يصدر الرعاء» (قصص، ۲۳)، «فجاءته إحداهما تمشي على استحياء» (قصص، ۲۵). در داستان دختران شعیب و ملاقات آنان با حضرت موسی (ع) نیز به طور ظریف پرهیز از اختلاط با مردان و رعایت عفاف در رفتار را دلالت می کند، زیرا دختران شعیب اقدام به آب دادن گوسفندان نمی کردند تا وقتی که مردان کارشان تمام گردد و نیز پشت سر حضرت موسی حرکت می کردند.

۳-۱-۲-۵) عدم تعارض شغل زن با حقوق همسر

این معیار اختصاص به زنان متأهل دارد و در مورد دختران مجرد یا زنان بیوه مطرح نمی شود. ریاست شوهر بر خانواده، لزوم تمکین جنسی زن در مقابل مرد، اطاعت از شوهر و عدم خروج از منزل بدون اجازه همسر از جمله حقوق شوهر است، به همین جهت در روایات همسرداری نیکو در حد جهاد برای زنان آمده: «جهاد المرأة حسن التبعل» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ص ۹۹؛ ج ۱۸، ص ۱۰۷). از این رو اشتغال زن در خارج از خانه و حتی در داخل خانه نباید منافات با این حقوق داشته باشد: «الرجال قوامون على النساء... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله...» (نساء، ۳۴)، (مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند، پس زنان درستکار فرمانبر دارند و به پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده اسرار شوهران خود را حفظ می کنند).

امام باقر (ع) درباره حقوق شوهر بر زن می فرماید: «زنی نزد رسول اکرم (ص) آمد و پرسید: ای رسول خدا حق مرد بر همسرش چیست؟ حضرت فرمود: اینکه زن از او

اطاعت کند و نافرمانی او نکند و از خانه بدون اجازه‌اش صدقه ندهد و بدون اذن او روزه مستحبی نگیرد و او را از خود منع نکند اگرچه بر پشت شتری سوار باشد و از خانه‌اش بدون اجازه او خارج نشود و اگر بدون اذن خارج شود فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت او را لعنت می‌کنند تا به خانه‌اش باز گردد» (حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۱۱۲). به این مضمون روایات متعددی وجود دارد (ر.ک. همان، باب ۷۹، ص ۱۱۱).

با توجه به آنکه آرامش‌بخشی از اهداف مهم ازدواج در دیدگاه اسلام است: «و من آیاته أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم، ۲۱؛ اعراف، ۱۸۹؛ ر.ک. زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۴۷۲؛ رشید رضا، ۱۳۰۳: ج ۹، ص ۵۱۸؛ طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۲). شاید بتوان از جمله حقوق شوهر یا خانواده را عدم مغایرت شغل زن با آرامش‌بخشی در خانواده بر شمرد؛ هر چند آرامش‌بخشی به عنوان یک حق یا تکلیف فقهی به حساب نیامده، اما به نظر می‌رسد براساس فلسفه ازدواج در اسلام حتماً باید در الگوی مطلوب خانواده با نگاه اجتماعی حساب شود.

۴-۱-۲-۵) عدم تعارض شغل زن با وظیفه مادری

این ملاک برای دختران مجرد قابل طرح نیست؛ اما در سایر موارد قابل بحث است. از آنجا که یکی از اهداف مهم ازدواج و تشکیل خانواده بقای نسل و تولیدمثل است (حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۴، صص ۳، ۳۳)، همچنین یکی از رموز خوشبختی انسان داشتن فرزند است (همان، ج ۱۵، صص ۹۶-۹۵). به نظر می‌رسد اصلی‌ترین بخش این مسئولیت در دوران بارداری، شیرخوارگی و سال‌های اولیه مراقبت و تربیت بر عهده زن می‌باشد؛ اشتغال زن نباید مغایرت با وظیفه مادری داشته باشد. امروزه نه تنها در قوانین داخلی، بلکه در کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز اموری چون مرخصی زایمان، نگهداری اطفال و ممنوعیت اخراج از کار به دلیل بارداری به رسمیت شناخته شده است. بنابراین وظیفه مادری قابل اغماض یا تقلیل نیست و باید شرایط شغلی زنان و مادران تعدیل و با وظایف مادری هماهنگ شود. از منظر اسلام وظیفه مادری جایگاه والایی دارد؛ لذا

(دل مادر موسی از هر چیز جز فکر فرزند تهی گشته بود) «و أصبح فؤاد أم موسی فارغا...» (قصص، ۱۰)، دوری او را تحمل نمی کرد تا خداوند او را به مادرش باز گرداند تا چشمش به او روشن شود (قصص، ۱۳-۱۱). مادر حضرت مریم چنان دخترش را شایسته تربیت می کند: «فتقبلها ربها بقبول حسن و أنبتها نباتا حسنا»، (آل عمران، ۳۷). که به نیکویی مورد پذیرش الهی قرار می گیرد و شایستگی مادری برای حضرت مسیح (ع) می شود (آل عمران، ۴۵-۴۲). پیامبر اکرم (ص) می فرماید «الجنة تحت أقدام الأمهات» (محمّدی ری شهری، ۱۳۶۳: ج ۱۰، ص ۷۱۲). در روایات افزون بر ترغیب به حق شناسی و قدردانی فرزندان نسبت به مادران، جایگاه بلند مادری را توصیف می کند که بهشت از زیرپای مادران می روید و می بالد. همچنین در آموزه های اسلام ارزشگذاری در مورد نقش و کارکردهای مادری چنان متعالی است که برخلاف رویکرد فمینیست ها قابل جایگزینی نمی باشد.

«امام صادق (ع) می فرماید: ام سلمه [همسر پیامبر (ص)] به حضرت عرضه داشت: ای رسول خدا مردان همه نیکی ها را به چنگ آوردند پس برای زنان بیچاره چه سهمی است؟ حضرت فرمود: چنین نیست زن در هنگام بارداری به منزله کسی است که روزها روزه دار و شبها در حال عبادت است و با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کند، پس زمانی که وضع حمل می کند مستحق پاداش می گردد که به سبب بزرگی آن هیچ کس توان درکش را ندارد و آنگاه که فرزندش را شیر می دهد در ازای هر مکیدنی پاداشی معادل آزاد کردن یکی از نوادگان حضرت اسماعیل (ع) به وی تعلق می گیرد، پس هنگامی که از شیر دادن فارغ گشته فرشته بزرگواری بر پهلوی او زده می گوید: اعمال خود را از سر بگیرد که تمامی گناهانت آمرزیده شدند» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۵، ص ۱۷۵).

با توجه به اولویت «حضانت فرزندان برای مادر تا هفت سال^۱» (همان، ص ۱۹۲) نیز این مطلب روشن می گردد که مادر باید فرصت و فراغت لازم برای مراقبت و تربیت

^۱ - برخی فقهاء حمل بر استحباب کرده اند (ر.ک. خویی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ص ۲۸۵؛ سیستانی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ص ۱۲۰).

کودک داشته باشد و اشتغال مادر نباید به این امر خطیر آسیب برساند؛ همچنین چون از منظر اسلام، «برتری تغذیه کودک با شیر مادر» (حرعاملی، بی تا: ج ۱۵، صص ۱۸۸، ۱۷۵)، برتری «عاطفه مادر» (همان، صص ۱۹۲-۱۹۱) بر سایر موارد به طور رسمی پذیرفته شده، در مواردی که مصالح فرزند ایجاب می کند، پس از رضایت و مشورت والدین، آنان می توانند او را زودتر از شیر بگیرند یا برای او دایه قرار دهند.^۱

۳-۵) الگوی مطلوب اشتغال زنان از منظر اسلام

برای ارائه الگوی مطلوب اشتغال زنان از دیدگاه اسلام چند مطلب قابل توجه است: اولاً، نگاه جامع به آموزه های دینی؛ به گونه ای که الگوی اشتغال زنان به عنوان پاره ای از نظام اجتماعی اسلام با سایر اجزاء و ابعاد آن هماهنگی کامل داشته باشد. ثانیاً، عدم اکتفا به گزاره های فقهی یا حقوقی؛ مطالب اخلاقی، تربیتی و روان شناختی در آموزه ها و اشتغال باید مورد عنایت قرار گیرد. ثالثاً، عنایت به سیره و روش زندگی اولیاء دین؛ در واقع اسوه های مورد نظر اسلام که در تحقق عینی الگوی مطلوب هستند به جد مدنظر باشد. رابعاً، اولویت دادن به مصالح خانواده با رویکرد اجتماعی و تمدن ساز و جامعه مطلوب بر نگاه فردگرایانه منافع آحاد جامعه، با توجه به این اولویت سیاست گذاری انجام شود.

۶) نتایج و پیشنهادات

با عنایت به مطالب مطرح شده، نکاتی را به عنوان اضلاع الگوی مطلوب اشتغال زنان که به نظر می رسد با عدالت جنسیتی مورد نظر اسلام هم تناسب و هماهنگی دارد، بیان می شود:

^۱ - «و الوالیدات یرضعن أولادهنّ حولین کاملین ... عن تراضٍ منهما و تشاورٍ فلا جناح علیهما و إن أردتم أن تسترضعوا أولادکم فلا جناح علیکم ...»، (بقره، ۲۳۳).

۶-۱) آموزش متناسب با ویژگی‌های زنان

با توجه به ضرورت آموزش (عمومی و تخصصی) علوم، مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای اشتغال، باید زمینه‌های مساعد برای تعلیم و تربیت زنان متناسب با نیازهای جامعه و هماهنگ با ویژگی‌های زنان برنامه‌ریزی و فراهم گردد. بنابراین در الگوی مطلوب اشتغال زنان نگاه جنسیتی لازم است، البته در یک گستره وسیع که بتواند استعدادها و علایق گوناگون را پوشش دهد و آموزش‌های لازم نیز متناسب با همین رشته‌ها و مشاغل هدایت و همگون گرداند. در خصوص گونه‌ها و انواع این مشاغل و زمان آموزش‌ها لازم است؛ کارهای کارشناسی دقیق صورت گیرد و از طریق کارهای فرهنگی و رسانه‌ای به تدریج زمینه‌های این رویکرد برای انتخاب آگاهانه و آزادانه زنان فراهم شود. از جمله آموزش‌های لازم برای دختران به عنوان همسران و مادران آینده، آموزش جدی مهارت‌های زندگی و خانه‌داری است. همسرداری، مادری و اداره نیکوی خانه و خانواده مستلزم داشتن دانش‌ها، مهارت و توانمندی‌های لازم است که باید در آموزش‌های عمومی دختران پیش‌بینی گردد. از طرف دیگر مشاغلی که یا به دلیل منع شرعی یا شرایط خشن کار و عدم تناسب با ویژگی‌های بانوان از لحاظ روحی و جسمی یا به دلیل ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی برای بانوان نامناسب است، مانند: آتش‌نشانی، کار در معادن و ... لازم است زمینه‌های تحصیل و آموزش آنها به مردان اختصاص یابد.

۶-۲) ارزشگذاری ویژه برای خانه‌داری

با توجه به آثار قابل توجه آشکار و پنهان خانه‌داری در اقتصاد خانواده و جامعه و نیز نقش و جایگاه تربیتی و روان‌شناختی آن در رشد و بالندگی و استحکام خانواده و میزان بالای میانگین زمان مصرف شده در خانه؛^۱ لازم است ارزشگذاری ویژه‌ای شود و برخلاف نظام‌های سرمایه‌داری به عنوان یک شغل در جامعه پذیرفته شود.^۲ حتی یک مبلغ مستمری از طرف دولت برای زنان خانه‌دار که هیچ‌گونه شغلی ندارند، ملحوظ

^۱ - حدود ۷۰ ساعت در هفته.

^۲ - در حال حاضر خانه‌داری معادل بیکاری و در فرم‌های مربوطه در مقابل شاغل نوشته می‌شود.

گردد.^۱ این برنامه افزون بر آنکه تقاضای بخش قابل توجهی از مشاغل کاذب و کم‌درآمد بانوان را تقلیل می‌دهد، موجب استحکام بیشتر خانواده می‌گردد و با آموزه‌های دینی در خصوص عدم اختلاط مردان و زنان، حفظ حقوق شوهر و وظایف مادری نیز سازگارتر است. افزون بر این بخشی از آموزه‌های اسلامی صریحاً این تقسیم کار بین زن و مرد را توصیه و ترغیب می‌کند و عملاً در الگوی زندگی اولیای دین مشاهده شود. هنگامی که فاطمه زهرا (س) و امیرمؤمنان (ع) خدمت رسول اکرم (ص) رسیدند و از آن جناب خواهش کردند که کارهای خانه را در میانشان تقسیم کند. رسول خدا (ص) فرمود: کارهای داخل خانه را فاطمه (س) انجام دهد و کارهای خارج خانه برعهده علی (ع) باشد. فاطمه می‌فرماید: «خدا می‌داند که من چقدر از این مطلب خوشحال شدم که کارهای خارج خانه به عهده من نیفتاد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۸۱؛ حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۱۲۳). هر چند این نکته الزامی نیست، اما با توجه به اسوه بودن اولیای دین، قطعاً نکته مهمی در الگوی اشتغال مطلوب زنان خواهد بود (حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۲۳۸؛ ج ۱۰۴، ص ۱۳۲).^۲ این تقسیم کار از مضامین عام بسیاری از روایات قابل استفاده است (ر.ک. حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۴، صص ۱۷۶-۱۷۴؛ ج ۱۶، ص ۳۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰۳، صص ۲۶۱-۲۵۸). در روایاتی هم آمده زن می‌تواند برای شیر دادن فرزند اجر و مزد طلب کند (حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۵، صص ۱۷۹-۱۷۸). نیز می‌توان این نکته را استفاده کرد که اسلام توجه به استقلال اقتصادی زنان داشته و زنان در غیر از وظیفه واجب آنها (تمکین نسبت به شوهر) در سایر موارد کارهای خانه‌داری مستحق اجر و پاداش هستند. البته اگر به صورت یک قاعده کلی این پاداش از طرف شوهر باشد، جایگاه معنوی آن را آسیب می‌زند، از این‌رو بهتر است از طرف دولت مقرر گردد. البته نهادینه کردن این الگو نیازمند کارهای تربیتی و فرهنگی زیاد می‌باشد.

^۱ - این پیشنهاد در جلسه دویست و هشتاد و هشتم شورای عالی انقلاب فرهنگی در ضمن ماده ۱ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران اشاره شد: «با توجه به قداست مقام مادری و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه و با عنایت به اهمیت نقش زنان در فرایند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی باید ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه در نظر گرفته شود».

^۲ - البته این تقسیم کار به معنای آن نیست که مردان در خانه کمک نکنند بلکه در سیره اولیای دین همکاری در خانه را می‌بینیم.

۳-۶) اشتغال نیمه وقت

درخصوص مشاغل زنان یا مواردی که حضور بانوان در آنها الزامی می باشد، لازم است از الگوی اشتغال نیمه وقت (یا پاره وقت) استفاده شود. با توجه به پیامدهای اشتغال تمام وقت برای زنان متأهل مانند تعرض نقش ها، احساس استرس و فشار روانی مضاعف کاهش و سست شدن روابط عاطفی در خانواده و ...، اشتغال نیمه وقت تا حدی می تواند، از این عوارض و تبعات ناخواسته بکاهد. در مورد دختران مجرد شاغل هر چند بخشی از این پیامدها منتفی است، لیکن تأخیر ازدواج و احساس استقلال کاذب باز هم می تواند الگوی اشتغال نیمه وقت را موجه سازد به ویژه آنکه بر حسب مطالعات اشتغال تمام وقت در خارج از خانه با ویژگی های زنانه نیز سازگاری ندارد و در طولانی مدت می تواند آسیب های جدی داشته باشد. در مورد زنان سرپرست خانواده نیز با توجه به لزوم ایفای نقش در خانه و محل کار به صورت توأم همین الگو پیشنهاد می گردد. در عین حال دولت باید براساس ضوابط و قواعد کلی اشتغال زنان و مساعدت به این گونه خانواده ها، از جهت درآمد برای زنان سرپرست خانواده شغل نیمه وقت را معادل تمام وقت حساب نماید. ضمناً در دوره گذار تا زمانی که بتوان الگوی مطلوب اشتغال زنان در جامعه استقرار شود، در مشاغل غیر الزامی نیز می توان از همین الگوی نیمه وقت استفاده نمود تا به تدریج اضلاع دیگر این الگو نیز تحقق عینی یابد. در واقع عدالت جنسیتی اقتضا می کند مسئولیت و بار مضاعف خانه داری و کار تمام وقت بر دوش زنان تحمیل نگردد.

۴-۶) قوانین سخت گیرانه مانع از سوء استفاده

با توجه به اهمیت حفظ و ارتقاء معنوی شخصیت زنان از دیدگاه اسلام باید زمینه های حفظ و ارتقاء این جایگاه در عرصه اشتغال زنان فراهم گردد، بدین جهت حفظ حریم و حرمت بانوان با وضع قوانین سخت گیرانه و شدید در مورد کسانی که در محیط کار به تعدی و آزار جنسی، روحی و روانی می پردازند، لازم است؛ لذا حکومت اسلامی با قوانین باید مانع از سوء استفاده کنندگان از حضور اجتماعی زنان شود.

۶-۵) تسهیلات ویژه برای زنان شاغل

با توجه به لزوم استحکام بنیان خانواده و نقش سازنده زنان، لازم است، تسهیلاتی برای همسران و مادران شاغل (در مشاغل الزامی) در نظر گرفته شود؛ اعم از تقلیل ساعات کار، مرخصی با حقوق (زایمان)، مزایای بازنشستگی با سنوات کمتر خدمت، امنیت شغلی، برخورداری از تأمین اجتماعی در مواقع بیکاری، بیماری، پیری یا ناتوانی از کار.

۶-۶) حمایت از مشاغل خاص زنان

مشاغل روستایی از قبیل کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و مانند آنها نقش مهمی در اقتصاد بومی کشور و استقلال اقتصادی کشور دارند، بدیهی است که بخش عمده‌ای از آن در اثر مشارکت زنان روستایی است. بنابراین باید حمایت‌های لازم از این مشاغل و زنان شاغل در این بخش نیز مورد حمایت خاص قرار گیرند. از آنجا که این گونه مشاغل از موارد اجتناب‌ناپذیر و الزامی است در الگوی مطلوب باید در زمینه بهینه‌سازی شرایط محیطی، بهداشتی، تأمین اجتماعی و موقعیت شغلی آنان برنامه‌ریزی جدی‌تری صورت گیرد و نیز در خصوص تعدیل و تقلیل ساعات کار زنان روستایی با توجه به بار مضاعف خانه‌داری و مشاغل آنان آموزش‌ها و اقدامات بیشتری انجام شود.

۶-۷) پرهیز از ارزش‌های غربی در مشاغل زنان

معیارها و ارزش‌های اسلامی به‌طور همه‌جانبه باید در الگو و شاخص‌های توسعه مدنظر قرار گیرند. در حال حاضر شاخص‌های توسعه غرب که سایه سنگین خود را بر جامعه اسلامی نیز تحمیل کرده، عمدتاً اقتصادمحور است که برابری مناصب اجتماعی و اقتصادی و شغلی را یکی از معیارهای مطلق توسعه می‌دانند. در حالی که توسعه همه جانبه با محوریت ارزش‌های اسلامی و توجه به فرهنگ و خانواده باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که استحکام، همبستگی و رشد خانواده در مسیر اخلاق و معنویت بهتر مقدور گردد. در این رویکرد اصلاح نگرش به جایگاه خانواده و الگوی سبک زندگی و تغییر ارزش اشتغال زنان به عنوان بخشی از هویت آنان را می‌طلبد.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ ابوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، (ترجمه منیژه نجم‌عراقی)، تهران: نشر نی.
- ◀ باقری، خسرو (۱۳۸۲)، *مبانی فلسفی فمینیسم*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ◀ برگ، اتوکلاين (۱۳۴۶)، *روان‌شناسی اجتماعی*، (ترجمه علی محمد کاردان)، تهران: نشر اندیشه.
- ◀ بستان، حسین (۱۳۸۸)، *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و وزارت کشور.
- ◀ بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱) *فرهنگ‌ها و واژه‌ها*، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- ◀ جاراللهی، عذرا (۱۳۷۲)، *تاریخچه اشتغال زن در ایران*، فصلنامه علوم اجتماعی.
- ◀ جوادآملی، عبدالله (۱۳۷۱)، *زن در آینه جلال و جمال*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ◀ حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (بی‌تا)، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه*، بیروت: احیاء التراث العربی.
- ◀ خدا رحیمی، سیامک و دیگران (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی زنان*، مشهد: خاتم.
- ◀ خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۰ق)، *منهاج الصالحین*، قم: مَدِیْنَةُ الْعِلْم.
- ◀ دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ دویس، موريس؛ پیرون، هانری (۱۳۶۶)، *روان‌شناسی اختلافی*، (ترجمه محمدحسین سروری)، تهران: سخن.
- ◀ رشیدرضا، محمد (۱۳۰۳)، *المنار فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- ◀ روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷)، *خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه*، (ترجمه محمدصادق مهدوی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ◀ ریتزر، جورج (۱۳۷۷)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، (ترجمه محسن ثلاثی) تهران: انتشارات علمی.
- ◀ زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتاب القری.
- ◀ ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.

- ◀ سفیری، خدیجه (۱۳۸۰)، نگاه جنسیتی به کار و تأثیر آن بر توسعه انسانی، **مجله تخصصی زبان ادبیات**، دانشگاه مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ◀ سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۶ق)، **منهاج الصالحین**، قم: مکتب آیت الله السیستانی.
- ◀ طباطبایی، علامه محمدحسین (بی تا)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جماعه المدرسین حوزه العلمیه.
- ◀ طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۶۵)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
- ◀ فرهنگ، منوچهر (۱۳۶۶)، **فرهنگ علوم اقتصادی**، تهران: آزاده.
- ◀ قیطانچی، الهام (۱۳۸۱)، **فصل زنان**، (گردآورنده نوشین احمدی خراسانی)، موج های فمینسم، تهران: توسعه.
- ◀ گاتیون، آرتور (۱۳۷۲)، **فیزیولوژی پزشکی**، (ترجمه محمدحسن عامری و فرشید علی یاری و آرزو خسروی)، تهران: اشارت.
- ◀ گنجی، حمزه (۱۳۶۹)، **روانشناسی تفاوت های فردی**، تهران: بعثت.
- ◀ گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، **جامعه شناسی**، (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی.
- ◀ مجلسی، علامه محمدباقر (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ◀ محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۳)، **میزان الحکمه**، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ◀ مریدی، سیاوش؛ نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳)، **فرهنگ اقتصادی**، تهران: نگاه.
- ◀ مصباح، علی و همکاران (۱۳۷۴)، **روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی**، تهران: سمت.
- ◀ معین، محمد (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی**، تهران: امیرکبیر.
- ◀ نیاکی، جعفر (۱۳۶۱)، **حقوق کار ایران**، تهران: فرحی.
- ◀ هانت، ژانت (۱۳۷۷)، **روانشناسی زنان**، (ترجمه بهزاد رحمتی)، تهران: لادن.
- ◀ کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنامین (۱۳۶۸)، **خلاصه روان پزشکی** (ترجمه نصرت الله پورافکاری)، تبریز: دوقی.
- ◀ کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، **کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ _____ (۱۳۷۹)، **نهج البلاغه**، (ترجمه محمد دشتی) قم: انتشارات نسیم حیات.